



اهم مطالب:

صمیمانه ای با دوستان جدیدالورود/از گوشه و کنار دانشگاه/
حقایق از طرح مجلس، برای "صیانت از عفاف و حجاب"/
کربلای؟ به مناسبت هفته دفاع مقدس/خنده هایی با طعم "خندوانه"

در باب ضرورت

عقلانیت محوری و خردپیشگی



آرش شعبانی

رواداری، جامعه دچار فقر، مرض و جنونی می گردد که بسی
مهلك تر و ویرانگرتر از فقر مادی و مرض جسمانی است که نتیجه آن
منتهی می شود به از طریق عقل بیرون رفتن و به وادی جنون افتادن.
عقل باشد راه بند هر خطا چهل باشد منشأ جور و جفا
چهل جاهل سینه ها را می درد عقل عاقل کینه ها را می خرد

از دیرباز و در پهنه فراخ تاریخ بر فراز و نشیب کشور ما و در پی چرخش قدرت ها و
ترمیدور جریان های سیاسی، فکری، فرهنگی و معرفتی، بحث درباره لزوم خردورزی و
استدلال محوری در مورد نقد و نقادی امور مطرح بوده است و کم و بیش، به فراخور بازه
تاریخی آن، شعله های گرم و گاه داغ و سوزان تحلیل های منتقدانه، مجادلات فکری
و مناظرات آرای، فروزان بوده است.



آن چه مقصود نگارنده در این عریضه است ضرورت تعریف درست و اخلاق مدارانه از جایگاه
مخالفت و معارضت و مذموم شمردن دخیل کردن خشونت و عصبیت در مورد اندیشه، کلام یا
قلم مخالف است.

فرق است بین مخالفت و عداوت. در مخالفت، عقلانیت و منطق حاکم است اما در عداوت،
جنون و سرکشی. مخالفت یک بازی است که در این بازی وجود رقیب به رسمیت شناخته می
شود، بلکه شرط ادامه بازی دانسته می شود اما در عداوت بنا بر از میان برداشتن، حذف و محو
رقیب، به هر نحو ممکن، از پهنه موجودیت است. کار منظره کار اندیشه و منطق است، نه مشت
اندازی و لگدپرانی. فلذا آن چه در حال و احوال جامعه ما به عنوان دستاویزی اجباری و ضروری
چهار موجودیتی قانونمندان و همزیستی سلامت آموخته تمامی شعب سیاسی، فکری و فرهنگی
مردمان در زیر چتر گسترده قانون، اخلاق، آرامش و احترام لازم شمرده می شود، وجوب
جلوگیری از ترویج، تبلیغ و تحریک خشونت ورزی و اخلاکگری های خودسرانه و تکلیف
پندارانه و بستن راه عقلانیت زدایی از جامعه است. نمی باید کس با کسلی خود را فوق قانون
و قضا پندارند و افعالی از خویش صادر نمایند و سخنانی بر زبان جاری سازند که هم عواقب سوء
به بار آورد و هم حرمت قانون را بشکنند. مردمان ما خوشبختانه در طی سالیان اخیر و با رشد
کلی و صعود نسبی حضور فرهنگ، منطق و استدلال در معیشت شان، و در پی اشتیاق عمومی
بیشتر جهت نیل به مدینه فاضله ی جامعه مدنی و تحقق راستین مردم سالاری، دیگر تحمل
خودسری های ناصواب و قانون شکنانه را ندارند و نمی پذیرند فرد، گروه یا عده ای خود را یگانه
صاحب و وارث حق، دین، اندیشه و فرهنگ بشمارند و در پی این خودبرتربینی مطلق، درصدد
سرکوب، تطمیع، تهدید، تحدید، ارباب، شکستن و حذف دیگران باشند و در این طریق، وسیله
هایشان به سبب هدفشان توجیه گردد و دانش ستیزی و فرهنگ سوزی رخ دهد.

در جامعه ما عداوت ورزی های جاهلانه باید جای خود را به مخالفت ورزی های عقلانی بسیار.
ممکن است مدعیانی بانگ برآورند که ما حق عشق، عاطفه و ارادت را ادا کرده ایم، که این
گزاره و ادعا نیز مجال و جایگاهی مجزا جهت تحلیل می طلبد، اما باید شرمگینانه
به آنان گفت که افسوس حق عقل آن چنان که باید ادا نشده است. خواه عقل در

مقام ساختن باشد خواه در مقام نقادی یا هر مقام دیگر.
ریشه عموم دشمنی ها، کینه ها و حب و بغض ها این است که کسانی نمی خواهند از در
عقل وارد شوند و سعه صدرپیشه کنند و پذیرای دگراندیشان و دگرباشان باشند و حق
دگرپذیری و روانداری را ادا نمایند.

لازم به ذکر است که مدارا هیچ گاه به معنای سست عقیدگی و حق
شمردن همه شمرده نمی شود بلکه نجابت و خویشی داری
عقلانه ای در جهت ترویج و تحکیم اخلاق و دیگر ارزش های
والای انسانی است و گامی اساسی جهت نیل به زندگی تمدنانه و
جهش از عصر حیوانیت به دوره انسانیت است. چرا که در خلا

طرح روز

